

خواهر زن مقتول «قاتل» از آب درآمد

پرونده کشف جسد مرد میانسال در انباری خانه‌اش پس از 10 روز با پیدا شدن ردپای خواهرزنش و مردی موادفروش، وارد مرحله تازه‌ای از تحقیقات شد.

«ایران» نوشت: دی‌ماه سال گذشته دختر جوانی قدم در اداره آگاهی پایتخت گذاشت و از ناپدید شدن پدرش حشمت خبر داد. دختر جوان زمانی که مقابل افسر پرونده قرار گرفت، گفت: صبح روز گذشته راهی محل کارم شدم، اما وقتی به خانه برگشتم از پدرم خبری نبود. فکر کردم برای کاری از خانه بیرون رفته است، اما وقتی با تلفن همراهش تماس گرفتم با شنیدن صدای زنگ گوشی متوجه شدم تلفنش در خانه است. هر چه منتظر ماندم پدرم برنگشت و من هم به پلیس خبر دادم.

با این شکایت تحقیقات پلیسی در رابطه با ناپدید شدن مرد میانسال آغاز شد تا این که چند روز بعد وقتی برادر حشمت برای سر زدن به برادرزاده‌اش و پیگیری وضعیت برادر خود راهی خانه آنها شد به محض ورود متوجه بوی تعفن شدیدی شد که از داخل انباری به مشام می‌رسید. وقتی موضوع را به برادرزاده‌اش گفت او منکر اطلاع از علت بوی تعفن شد اما وقتی مرد میانسال به سمت انباری رفت با دیدن قفل بزرگی که روی در بود تعجب کرد، چرا که قبلاً این قفل را ندیده بود. بنابراین قفل در انباری را شکستند و وارد شدند. آنها در کمال ناباوری با جسد حشمت در حالی که پتو پیچ شده و آثار خون روی بدنش دیده می‌شد، مواجه شدند.

ردپای دو مظنون

مرد میانسال موضوع را به پلیس اطلاع داد و تیم بررسی صحنه جرم ساعتی بعد راهی محل شدند. تحقیقات و معاینات اولیه متخصصان پزشکی قانونی در صحنه حکایت از آن داشت که زمان مرگ مرد میانسال با زمان ناپدیدشدنش یکی است.

با توجه به این که حشمت به قتل رسیده و خودرواش نیز ناپدید شده بود فرضیه سرقت قوت گرفت. در ادامه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت دریافتند که خواهرزن مقتول به نام شهلا نیز با آنها زندگی می‌کرده اما همزمان با قتل حشمت این زن نیز ناپدید شده است.

کارآگاهان در ادامه تحقیقات میدانی دریافتند، حشمت و خواهرزنش با هم اختلاف داشتند. یکی از همسایه‌ها در این رابطه گفت: شهلا اعتیاد شدیدی به مواد مخدر داشت و از زمانی که به اینجا آمده بود پای موادفروشان را نیز به خانه حشمت باز کرده بود. همسایه‌ها از این موضوع خیلی گلایه داشتند. می‌ترسیدند بچه‌هایشان بواسطه رفت‌وآمدهای موادفروشان به خانه شهلا معتاد شوند. همسایه‌ها از حشمت خواستند به او تذکر دهد و همین مسأله باعث اختلاف آنها شده بود.

بدین ترتیب فرضیه دست داشتن زن جوان در این قتل قوت گرفت، از سویی تیم تحقیق دریافت که دختر مقتول در این مدت با خاله‌اش پنهانی در تماس بوده است.

به دستور بازپرس موسی رضازاده، دختر جوان بازداشت شد و در تحقیقات گفت: دو سال قبل مادرم فوت کرد و از طرفی خاله‌ام نیز به خاطر اعتیاد از همسرش جدا شده بود. از آنجا که او جایی برای زندگی نداشت، از پدرم خواستم او را به خانه‌مان بیاورد. اوایل مشکلی نداشتیم اما از زمانی که پای موادفروشان به خانه‌مان باز شد و همسایه‌ها شکایت کردند، اختلاف بین آنها نیز شروع شد. پدرم چندین بار تصمیم گرفت شهلا را ترک دهد، اما او حاضر نشد به کمپ ترک اعتیاد برود.

او ادامه داد: درگیری‌ها ادامه داشت تا اینکه پدرم به صورت ناگهانی ناپدید شد. از خاله‌ام نیز خبری نبود و هر چه با او تماس می‌گرفتم، پاسخم را نمی‌داد. تا اینکه چند روز بعد از ناپدید شدن پدرم، خاله‌ام تماس گرفت و مدعی شد با مردی که موادفروش بوده، پدرم را به قتل رسانده است. او مرا تهدید کرد که نباید راز این جنایت را برملا کنم، من هم ترسیدم و سکوت کردم.

در ادامه بررسی‌ها، یکی از اهالی محل با پلیس تماس گرفت و راز این جنایت را برملا کرد و گفت: چند شب قبل در بزم شبانه ای مرد موادفروشی به نام هوشنگ تعریف کرد که با همدستی زنی به نام شهلا مردی به نام حشمت را کشته است. با این اطلاعات به دستور بازپرس شعبه یازدهم دادرسی جنایی تهران دختر مقتول به اتهام اخفای ادله جرم بازداشت و دستور بازداشت شهلا و هوشنگ نیز صادر شد و تحقیقات برای دستگیری آنها ادامه دارد.